

عیدی گروه فرقان به جمهوری اسلامی!

چهار پنج روزی از عزل بنی صدر می‌گذشت. جنگ و شورش منافقین بعد از اعلامیه‌ی جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی، بحث داغ محافل بود. آیت الله خامنه‌ای از جبهه‌ها مستقیماً خدمت امام رسیده بودند و بعد از دیدار، طبق برنامه‌ی شنبه‌ها عازم یکی از مساجد جنوب شهر برای سخنرانی بودند...

آقا به پشت تریبون رفتند؛ نمازگزاران همان طور منظم در صفوف نشسته بودند. سخنران مقدمه‌ای می‌چیند تا به این جا می‌رسد که امروز شایعات فراوانی بین مردم پخش شده. فردی با قد متوسط و پیراهن چهارخانه با ته ریش مختصر، ضبط صوت به دست خودش را گذاشت روی تریبون؛ درست مقابل قلب سخنران! دستش را گذاشت روی دکمه‌ی Play؛ شاسی مثل حالت پایان نوار، تق تق صدا کرد و روشن نشد. به دقیقه نکشید که بلندگو شروع کرد به سوت کشیدن. آقا گفتند: آقا این بلندگورا تنظیم کنید! بعد خودشان را به سمت چپ کشیدند و از پشت تریبون کمی عقب آمدند. (صوت آقا: "در زمان امیرالمؤمنین، زن در همه‌ی جوامع بشری - نه فقط در میان عرب‌ها - مظلوم بود. نه می‌گذاشتند درس بخواند، نه می‌گذاشتند در اجتماع وارد بشود و در مسایل سیاسی تبحر پیدا بکند. نه ممکن بود در میدان‌های... " انفجار!) سخنران که رو به جمعیت و پشت به قبله بود، بایک چرخش ۴۵ درجه‌ای به طرف چپ جایگاه افتاد. اولین محافظ خودش را به بالای سر آقا رساند و با توجه به کوچک بودن محیط مسجد، ایشان را به تنهایی بیرون برد. امام جماعت متحیر، وسط مسجد مانده بود؛ که چشمش به یک ضبط صوت افتاد. ضبط عین یک کتاب، دو تکه شده بود و روی جداره‌ی داخلی اش با ماژیک قرمز نوشته بودند: "عیدی گروه فرقان به جمهوری اسلامی!"

